

Typology of Common Doubts Enjoining Right and Forbidding Wrong

Mohammad Abedi*

Recived Date: 2025/11/23

Accepted Date: 2025/12/21

Abstract

Enjoining right and forbidding wrong is the mechanism for the sustainability of religious obligations. As important as the implementation of the two obligations is for Muslims, opponents also try to reduce public acceptance of them by creating and spreading all kinds of doubts. "Answering" the aforementioned doubts is the initial step in reconstructing the context of the audience's approach to the two obligations, but the breadth of doubts raises the question of how to effectively respond to the heavy volume of doubts? The article emphasizes the assumption that by "typology" of common doubts, they can be categorized appropriately to provide appropriate and generalizable answers for similar cases. The research achievement, which is organized in a descriptive-analytical method, is that, considering that the two obligations are part of the religious obligation, the common doubts in the "structure of the obligation" (command and prohibition, the duty of the command and prohibition, the context of the implementation of the command and prohibition, and the addressee of the command and prohibition), are systematized so that appropriate answers are possible by focusing on the common essence of each "type" of doubts and creating a repeatable and measurable pattern in similar cases, under any circumstances.

Keywords: *commanding the good, forbidding the evil, typology, doubts about the two obligations.*

تصنيف الشكوك الشائعة حول الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

محمد عابدي*

القبول: ١٤٤٧/٠٦/٣٠

الإستلام: ١٤٤٧/٠٦/٠٢

الملخص

يعدّ الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر أساساً لاستدامة الفرائض الدينية. وعلى الرغم من أهمية أداء هذين الأمرين للمسلمين، إلا أن المعارضين يسعون إلى تقويض قبولهما لدى العامة من خلال إثارة ونشر شتى أنواع الشكوك. ويشكّل «الرد» على هذه الشكوك الخطوة الأولى في إعادة بناء سياق تعامل الجمهور مع هذين الأمرين، إلا أن اتساع نطاق هذه الشكوك يثير التساؤل حول كيفية الردّ عليها بفعالية. وتؤكد هذه المقالة على فرضية أنه من خلال "تصنيف" الشكوك الشائعة، يمكن تصنيفها بشكل مناسب لتوفير إجابات ملائمة وقابلة للتعميم على الحالات المماثلة. يتمثل إنجاز هذا البحث، المنظم وفق المنهج الوصفي التحليلي، في أنه، بالنظر إلى أن الأمرين يندرجان ضمن الواجب الديني، ينظّم الشكوك الشائعة في «بنية الواجب» (الأمر والنهي، وواجب الأمر والنهي، وسياق تنفيذهما، والمخاطب بهما)، بحيث يمكن التوصل إلى إجابات مناسبة من خلال التركيز على الجوهر المشترك لكل «نوع» من الشكوك، وإنشاء نمط قابل للتكرار والقياس في حالات مماثلة، تحت أي ظرف.

الكلمات المفتاحية: الأمر بالمعروف، النهي عن المنكر، التصنيف، الشكوك حول الأمرين.

گونه‌شناسی شبهات رایج امر به معروف و نهی از منکر

محمد عابدی*

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر سازوکار پایداری فرایض دینی است. به همان میزان که اجرای دو فریضه برای مسلمانان اهمیت دارد، مخالفان نیز می‌کوشند با ایجاد و گسترش انواع شبهات، به کاهش اقبال عمومی به آن دامن بزنند. «پاسخ» به شبهات مذکور، گام آغازین در بازسازی زمینه‌های رویکرد مخاطبان به دو فریضه است، ولی گستردگی شبهات، این مسئله را در پی دارد که چگونه می‌توان به حجم سنگین شبهات، پاسخی مؤثر داد؟ مقاله بر این فرض تأکید دارد که با «گونه‌شناسی» شبهات رایج، می‌توان آن‌ها را به صورت متناسب دسته‌بندی نمود تا امکان ارائه پاسخ‌های مناسب و تعمیم‌پذیر برای موارد هم‌سنخ، فراهم آید. دستاورد تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی سامان می‌یابد، با توجه به این‌که دو فریضه بخشی از تکلیف دینی است، شبهات رایج در «ساختار تکلیف» (آمر و ناهی، تکلیف امر و نهی، بستر اجرای امر و نهی و مخاطب امر و نهی)، نظام‌دهی می‌شود تا پاسخ‌های متناسب با تمرکز بر گوهر مشترک هر «گونه» از شبهات و ایجاد الگویی تکرارپذیر و سنجش‌پذیر در موارد مشابه، ذیل هرگونه ممکن شود.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، گونه‌شناسی، شبهات فریضتین.

مقدمه

تعامل انسان‌ها در حیات اجتماعی نیازمند مجموعه تدابیری است که دین اسلام آن‌ها را در اختیار بشریت گذاشته است و کارکرد امر به معروف و نهی از منکر، پایدارسازی دین در جامعه است. از گفته امام باقر (علیه السلام) «امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و واجب بزرگی است که واجبات دیگر با آن برپا می‌شوند، راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده، به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۳۹۵). خداوند انجام این دو فریضه را از ویژگی‌های مؤمنان می‌داند (بقره، ۷۱).

با توجه به این‌که امر به معروف و نهی از منکر در همه حوزه‌های حیات بشری از خانواده تا جامعه ملی و جهانی جریان دارد، با ترک دو فریضه، آموزه‌ها و احکام دین در عرصه اجتماعی آسیب خواهد دید و با تضعیف دین و تقویت بی‌دینی، دینداران جایگاه خود را در جامعه از دست خواهند داد، از این‌روی امیر مؤمنان (علیه السلام) تصریح می‌کند: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، وگرنه افراد بد بر شما مسلط می‌شوند و هر چه دعا می‌کنید، مستجاب نمی‌شود» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

حاصل بی‌تفاوتی، تضعیف قدرت دینداران در عرصه اجتماعی و سیاسی و از دست دادن جایگاهشان است و آنان نخواهند توانست در عرصه‌های مختلف، به دین خود پایبند باشند، چون به هر بخش از دین (به‌ویژه بعد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) که بخواهند عمل کنند با سدّ منافع اشرار مواجه خواهند شد، و با سلطه آنان بر جامعه آثار دین در عرصه جامعه کم‌رنگ خواهد شد. همین دست کارکردهای دو فریضه در حفظ و پایدارسازی دین، مخالفان دین را برانگیخته است. برای تضعیف جایگاه دو فریضه به ایجاد تردید و سلب اعتماد و اعتقاد از جامعه دینداران نسبت به دو فریضه، با ترفندهای مختلف از جمله شبهه‌سازی و شبهه‌گستری (یکی از کارآمدترین ابزارهای ناپایدارسازی دین) روی آورند. از این منظر پاسخ به شبهات دو فریضه، اقدامی مناسب برای بازسازی وجهه دو فریضه در جامعه و بازگرداندن اعتماد به آن است.

حساسیت دو فریضه برای جامعه دینداران موجب شده است، همواره آثاری در نقد شبهات نگاشته شود. کتاب درد و درمان کامل‌ترین مجموعه پاسخ به سؤالات و شبهات اجرای امر به معروف و نهی از منکر» توسط امید ستاری منتشر شده است، اما فاقد «گونه‌بندی» شبهات و «پاسخ متناسب» به هر دسته است. «پاسخ به شبهات امر به معروف و نهی از منکر» توسط مجمع ملی فعالان امر به معروف و نهی از منکر و با همکاری مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی ارائه

و به هفتاد و هشت شبهه پاسخ‌های مختصر چند خطی تا یک صفحه‌ای ساده برای اقناع مخاطب داده است، اما پاسخ‌ها عموماً گذرا و فاقد یک نظام منسجم و مترتب بر گونه‌شناسی شبهات است. «چهل پرسش پیرامون امر به معروف و نهی از منکر» علیرضا اصغری حسامیه نیز بدون نظام و طبقه‌بندی خاصی سؤالاتی (اعم از شبهه و پرسش و...) را مطرح و پاسخ‌هایی کوتاه ارائه کرده است. کتاب چهل پرسش و پاسخ از امر به معروف و نهی از منکر در قطع جیبی توسط علی سلیم‌زاده نیز با همین شرایط منتشر شده است.

آثاری نیز به صورت ضمنی به شبهات پاسخ‌هایی ارائه کرده‌اند. مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر علی‌اصغر رضوانی که نویسنده (در کنار بحث از روش‌ها، مراتب، و وجوب دو فریضه)، به پنج شبهه پاسخی مختصر داده است. پرسمان قرآنی امر به معروف و نهی از منکر نوشته علی خراسانی، تعریف، اهمیت و وجوب، شرایط و آداب، مراحل و آثار دو فریضه را در فصل‌های مختلفی به صورت پرسش و پاسخ، بررسی کرده است. آسیب‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر مصطفی فرجی در چند صفحه به شبهاتی با عناوین اعتقادی، قانونی، هدایت‌گرانه و تخلصی اشاره دارد. امر به معروف و نهی از منکر در ترازوی عقل عبدالحسین رضایی نیز در بخش اول کتاب خود سه مسئله (مخالفت امر به معروف با آزادی، زمینه‌سازی برای خشونت اجتماعی، مخالفت با فلسفه انسان‌شناختی) را بررسی کرده، ولی او هم در پی گونه‌بندی و پاسخ نظام‌مند نبوده است، اما به طور موردی نسبت به برخی معروف‌ها و منکرها، شبهاتی که نسبت به ابعاد از دو فریضه مطرح بوده، در آثاری قابل رصد است، مانند مقاله «بررسی فقهی شبهاتی درباره مسئولیت حاکمیت اسلامی نسبت به اقامه حجاب» نوشته سیدعلیرضا امین و اشکان نعیمی (پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۴۰۲، ص ۷۹-۹۴) که در بخشی از آن به شبهه مسئولیت حکومت از باب دو فریضه در مسئله حجاب پاسخ داده شده است. همین‌طور مقاله «واکاوی ارتباط حریم خصوصی اشخاص با امر به معروف و نهی از منکر» نوشته محمدمهدی کریمی‌نیا، محمدرضا باقری‌مفرد و مجتبی انصاری مقدم که به‌طور خاص به شبهه تداخل دو فریضه با حریم خصوصی پرداخته است و یا مقاله «امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با حقوق بشر» که مصاحبه‌ای است با آیت‌الله محی‌الدین حائری شیرازی. با این همه در مورد خلأ پژوهشی قابل ذکر است که آثار موجود اصولاً مروری، گذرا و در اکثر موارد اقتاعی و برخی سطحی وارد بحث شده‌اند، یا در مقالاتی به موضوعات خاصی اشاراتی شده است یا شبهه خاصی از دو فریضه بررسی شده است؛ در حالی که جای عنایت جدی به شبهات و پاسخ‌گویی به آن‌ها مبتنی بر نظام و ساختار مشخص و نسبت به کل دو فریضه و نگاه استقلالی به شبهات، خالی است. آنچه امروزه

با عنوان پاسخ به شبهات با آن مواجهیم، مجموعه آثار پراکنده‌ای است که توان ارائه به‌عنوان الگوی پژوهشی برای محققان در مواجهه با شبهات را ندارد و این خلأ پژوهشی محقق را وامی‌دارد در مسیر تولید سازوکار قابل تعمیم در پاسخ‌گویی به شبهات بکوشد که به‌نظر می‌رسد ارائه ساختار و گونه‌بندی مناسب برای شبهات، گام نخست جهت پرکردن چنین خلأی است. در مجموع آنچه این تحقیق را متمایز می‌سازد تمرکز بر ارائه نظامی معنادار از گونه‌های شبهات رایج بر مدار ساختار تکلیف دو فریضه است که می‌تواند معیاری برای پاسخ به دیگر شبهات ذیل هرگونه از شبهات باشد.

درباره مفهوم معروف و منکر لازم به توجه است که با گذر از مناقشات درباره معنای امر و نهی و تعاریف لغوی (ر.ک. فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۱؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۰۱؛ الأزهري، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۰۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۱۲۱)، تعاریف اصطلاحی مختلفی ذکر شده است؛ از جمله ۱. کار نیک و زشت شناخته شده به نیکی و زشتی (حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۱۰؛ نجفی، ۱۴۲۴، ج ۲۱، ص ۳۵۶؛ نوری همدانی، ۱۳۷۱، ص ۸۱؛ سیستانی، ۱۴۰۳، ج ۲، مسئله ۳۶۷). ۲. طاعت و معصیت (حلی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۲۸؛ زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۰۹). ۳. مصلحت و مفسده (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۸۸؛ دروزه، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۰۶-۲۰۷). ۴. واجبات و مستحبات و حرام‌ها و مکروهات (نوری همدانی، ۱۳۷۱، ص ۸۲). فقهای پس از شهید ثانی معروف و منکر را به مستحبات و مکروهات نیز توسعه داده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۲۶). بر مبنای تعریف امام خمینی رحمه‌الله، می‌توان توضیح داد امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از دستور به اجرای آنچه عقلاً یا شرعاً واجب یا مستحب است و نهی از منکر به معنای بازداشتن از انجام آنچه شرعاً یا عقلاً حرام یا مکروه است.

با توجه به این‌که دو فریضه، بخشی از تکالیف شرعی است، می‌توان شبهات مطرح را در ساختار «تکلیف» مطالعه کرد که در آن با چند عنوان مواجهیم: ۱. «تکلیف»: به معنای الزام اکید یا غیراکید که شارع یا مولا با وضع قانون، آن را متوجه مکلف می‌کند مانند وجوب امر به معروف و نهی از منکر. ۲. «مکلف به»: چیزی که الزام به آن تعلق گرفته است مانند امر به معروف و نهی از منکر. ۳. «مکلف»: فردی که به او تکلیف شده است. ۴. «مکلف»: شارع که تکلیف صادر می‌کند، اما واقعیت این است که این ساختار نمی‌تواند بخشی از شبهات موجود را پوشش بدهد، از جمله آن‌ها «بستری» است که تکلیف در آن فضا و موقعیت انجام می‌شود (مانند خانه، جامعه و...)؛ همچنین مخاطبان امر و نهی آمران و ناهیان در جامعه نیز متعلق شبهات مختلفی قرار

گرفته‌اند، پس لازم است در ساختاری مناسب به تقسیم‌بندی شبهات پرداخته شود که در آن عناوین (بستر و زمینه اجر یا فریضه؛ مخاطب آمران و ناهیان) نیز افزوده می‌شود. در این میان تأکید بر شبهات رایج از این جهت است که در مورد برخی ابعاد دو فریضه مانند شارع به‌عنوان مکلف یا اصل تکلیف (وجوب)، بین عموم مردم (نه متخصصان و فقها) شبهات عمده‌ای رواج ندارد از این جهت بدان‌ها پرداخته نمی‌شود.

۱. شبهات بر محور امر و ناهی (مکلف)

تأمل در شبهات دو فریضه نشان از این دارد که هرچند در ظاهر مجموعه‌ای از شبهات، اموری مانند شرایط وجوب، شرط علم و... مورد بحث است، ولی محوریت آن‌ها «مکلف» و فردی است که تکلیف امر به معروف و نهی از منکر متوجه او شده است؛ بنابراین با تمرکز بر «ویژگی‌های مکلف» باید به آن‌ها پاسخ داده شود.

۱۱۱

۱-۱. شبهه وجوب امر به معروف بر «افراد پاک و بی‌گناه»

این شبهه که بر عنصر تضاد عکس‌العمل اجتماعی «شخص» با رفتار خود تمرکز دارد، با بیان‌های متنوع در جامعه گسترده شده است؛ از جمله براساس آیات قرآن، امر به معروف و ناهی از منکر نباید مرتکب شونده محرمات باشد. کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، باید عادل باشند و آمران و ناهیان فاقد عدالت، مشمول آیه «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره، ۴۴) و «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۳) هستند و خداوند افرادی را که با فراموش کردن خود، دیگران را نصیحت می‌کنند سرزنش می‌کند. روایتی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هم در مورد عذاب کسانی وارد شده است که به خیر امر و از شر نهی می‌کردند، اما خود عامل نبودند (شیخ بهایی، ۱۳۸۲، ص ۵۸۹).

نمونه‌هایی از بیان‌های دیگر این شبهه چنین است: امر به معروف و نهی از منکر فقط بر افراد پاک و بی‌گناه واجب است، نه کسانی که خود آلوده گناه‌اند؛ شخص گناهکار «حق ندارد» دیگران را به معروف امر، یا از منکر نهی نماید، بلکه خودش باید مورد امر و نهی باشد. وقتی خودمان معروف را کامل انجام نمی‌دهیم و از منکر اجتناب نمی‌کنیم، واجب است به «تربیت خود» بپردازیم و کاری به مردم نداشته باشیم. کسی که خودش مرتکب حرام می‌شود، «درست نیست» امر به معروف و نهی از منکر کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روزی که خودش خرما خورده بود، حاضر نشد دیگری را از خوردن خرما نهی کند.

شبهات رایج

موضوعات فقهی و حقوقی

تو بر نیکویی پشت پا می‌زنی پس آنگه به نیکی صلا می‌زنی

تو بد را نخستین ز خود دور کن سپس دیگران را ز بد دور کن

(بهار؛ مثنویات، ش ۶۲)

با توجه به این که همه بیان‌ها از شبهه مذکور، راجع به مکلف است، پاسخ با تمرکز بر مکلف، باید ارائه شود؛ این که عمل مکلف، به گفته‌ها «زمینه اثربخشی است و کارکرد پاک بودن آمر و ناهی و هماهنگی میان گفتار و کردارش، «زمینه‌سازی برای اثرگذاری بهتر» است، اما علت تامه و بی‌چون و چرا نیست. ضمن این که عمل مکلف به «مورد امر و نهی» در فقه شرط نیست و شرط معصوم بودن واضح‌البطان است؛ هر چند ممکن است شرط کمال معرفی شود و جهل (به گناه خود) هم در ثبوت وجوب ضرری نمی‌زند (نجفی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲۱، ص ۳۰۷). «امر و نهی بر شخص گناهکار هم واجب است و او نمی‌تواند به عذر این که گناه می‌کند خود را از این وظیفه بزرگ تبرئه سازد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۷۴). علاوه بر این ادله وجوب دو فریضه بر مکلف (آل عمران، ۱۰۴) هم مطلق است و آن را وظیفه گروهی از «امت» قرار داده است، نه افراد معصوم (مانند آیه مذکور، روایات متعدد و اجماع) و دلیل بر استثنای گناهکاران وارد نشده است. احادیث دو فریضه هم مطلق است و شامل عادل و فاسق می‌شود (شیخ بهایی، ۱۳۸۲ ق، ص ۵۹۰)، ضمن این که اینجا مغالطه‌ای وجود دارد: «بر انجام‌دهنده کار حرامی، که می‌بیند شخص دیگری هم کار او را می‌کند، دو چیز واجب است: ۱. ترک کار خودش ۲. انکار بر شخص دیگر و وجوب هیچ کدام با ترک دیگری ساقط نمی‌شود... و انکار در دو آیه بر عمل نکردن به چیزی است که امر می‌کنند و می‌گویند؛ نه بر امر کردن و گفتن او». (شیخ بهایی، ۱۳۸۲ ق، ص ۵۹۰؛ خامنه‌ای، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۷۴).

آیات نیز در صدد مذمت کسی نیست که دو فریضه را انجام می‌دهد، بلکه کسی را مذمت می‌کند که معروف را ترک کرده و منکر را انجام می‌دهد. البته عامل نبودن مکلف، به امر و نهی خود، عوارض نامناسبی مانند سلب اعتماد تدریجی از آمران و ناهیان دارد، اما اهمیت امر و نهی و بروز حساسیت اجتماعی به حدی است که این امور نیز مانع مکلف از امر و نهی نمی‌شود. حدیث «منع رطب توسط پیامبر ﷺ» هم در هیچ منبع روایی معتبر یافت نشد.

۱-۲. شبهه عدم وجوب دو فریضه با آگاه نبودن «مکلف» به معروف و منکر

این دست شبهات بر مدار «علم و جهل مکلف» استوارند و تأکید دارند که دو فریضه مخصوص مکلف آگاه به معروف و منکر است، اما بر دیگران وجوب ندارد، در نتیجه دو فریضه مکلفانی

خاص و بسیار محدود دارد و هر کسی نباید خود را مکلف به آن بدانند. آیت الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله علیه این شبهه را چنین نقل کرده است:

عقل می‌گوید «وقتی تو معروف و منکر را نمی‌شناسی چگونه به آن امر و نهی خواهی کرد». پس شرط عمل به این دو فریضه شناخت آن‌ها است. لازمه اعتبار این شرط آن است که امر و نهی بر همه واجب نباشد، زیرا... همگان عالم به معروف و منکر نیستند، بلکه فقط عده معدودی به این دو عالم‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۰۱).

در پاسخ باید توجه داده شود که فقیهان مشروط بودن امر به معروف و نهی از منکر به «آگاهی مکلف از منکر و معروف» را پذیرفته‌اند «نجفی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲۱، ص ۳۰۵؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۶۳». عقل نیز می‌پذیرد که بدون شناخت معروف و منکر، امر و نهی درباره آن‌ها با خطا و اشتباه و پیامدهای نامناسب می‌تواند همراه باشد و نقض غرض از اجرای دو فریضه شود، ولی فقها در این‌که علم شرط وجوب یا واجب است، اختلاف دارند.

بر مبنای شرط واجب بودن مهم‌ترین دلیل دیدگاه دوم «شرط واجب بودن» اطلاق آیات و روایات وجوب دو فریضه است. این دلایل مقید به علم نیستند (ورعی، ۱۳۹۴، ص ۸۰). «تحصیل علم لازم است و علم شرط وجوب نیست، بلکه شرط واجب است و مشروط بودن واجب، مفاد آیه را محدود نمی‌کند، بلکه این شرط، واجب دیگری برای ما درست می‌کند و آن این‌که همه مردم باید معروف و منکر را در دین بشناسند و به اصول اسلام عالم شوند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۴۰۲). در این صورت شبهه‌ای پیش نمی‌آید، اما بر مبنای شرط وجوب بودن علم بر مکلف «یادگیری» بر مکلف «وجوب نفسی» دارد (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۸۳)، یعنی باید احکام شرعی‌اش را فراگیرد. این مطلب، درباره افرادی که امکان و مقدمات یادگیری برای آنان فراهم است، قطعی و مسلم است؛ به‌ویژه در احکام و وظایفی مانند فریضتین که اهمیت بیشتری دارند و بقای دیگر احکام به آن‌ها بستگی دارد (رحمانی، ۱۳۹۳، ص ۷۵).

۱-۳. شبهه شرط بودن «ایمنی مکلف از ضرر و نبود مفسده»؛ بهانه ترک دو فریضه

در تبیین شبهه گفته شده است دو فریضه با منافع و خواسته افراد مورد امر و نهی، برخورد دارد و آنان تلاش می‌کنند در برابر آمران و ناهیان مقاومت و حتی با آنان برخورد کنند؛ لذا امر و نهی همیشه با ضرر و خطر برای آمران و ناهیان همراه است. حالا اگر دو فریضه را به دو شرط «ایمنی از ضرر و نبود مفسده» مشروط کنیم، معجز ترک دو فریضه را صادر کرده‌ایم و مردم به بهانه ضرر و مفسده، امر و نهی نخواهد کرد. در این صورت نباید دو فریضه را خیلی جدی گرفت، چون دایره

عمل دو فریضه به اصلاح موارد جزئی که امر و نهی در موردشان به کسی بر نمی خورد و مشکلی جدی پیش نمی آید، محصور خواهد شد و چنین امر و نهی ای نمی تواند ابزاری اثرگذار بر کاهش منکرات و گسترش معروف ها باشد (رضایی راد، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸-۲۵۷). به دیگر بیان مشروط بودن وجوب دو فریضه به «ایمنی از ضرر و نبود مفسده»، به معنای جواز ترک آن دو است (رحمانی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۴).

شرط چهارم امر به معروف و نهی از منکر «در انکار او مفسده ای نباشد» (شیخ مفید، ۱۴۰۱، ق، ص ۸۰۹؛ رحمانی، ۱۳۹۳، ص ۸۳) اولاً به ویژگی ذاتی فریضه (داشتن ضرر) اشاره دارد و ثانیاً دلایل شرطیت «عدم ضرر و مفسده»، به «ضرر و مفسده مهم تر از معروف و منکر» اختصاص می یابد؛ چون ذات دو فریضه با ضرر همراه است، اگر عدم ضرر برای آن شرط شود، باید متناسب با ذات دو فریضه فهم شود (خامنه ای، ۱۳۹۶، ص ۴۱۹). با این توضیح که آیات دو فریضه (توبه، ۷۱) مطلق هستند.

در آیاتی که سخن از این دو فریضه آمده قیدهایی چون «امن من الضرر» یا «اذ کانوا ذا قدره» نیامده تا وجوب این فریضه را محدود به چنین شروطی کند. این همه آیات قرآن که در این باره نازل شده و به وضوح سخن از طبیعت مؤمن گفته اند، این واجب را وظیفه همه مؤمنان معرفی کرده اند (خامنه ای، ۱۳۹۶، ص ۴۲۱).

در این صورت در «ضرر و مفسده» تفصیل داده شده است که اهمیتش «کمتر» یا «بیشتر» از ارزش معروف و منکر باشد؛ در نتیجه موضوع مسئله چهارم (شرط وجوب)، بخش اول (اهمیت ضرر و مفسده کمتر باشد) خواهد بود: «مكلف موظف است ملاحظه اهمیت را بکند؛ یعنی باید در تمام معروف و منکرها بین مفسده امر و نهی و مفسده ترک امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهم تر است، عمل نماید» (خامنه ای، ۱۳۸۶، سؤال ۱۰۵۷). در این صورت اگر معروف و منکر از اموری است که اهمیت کمتری نسبت به ضرر و مفسده حاصل از امر و نهی دارد، ضرر و مفسده بالاتر مانع امر و نهی است (شرط وجوب است) (خامنه ای، ۱۳۹۶، ص ۴۲۰). «ملاحظه امنیت، در مسائل کوچک دین مطرح می شود» (همان، ص ۴۲۰) و اگر معروف و منکر از اموری باشد که ارزش بالاتری از ضرر و مفسده حاصل از امر و نهی دارد، چنین شرطی مخالف ذات دو فریضه (همراه بودن آن با ضرر و مفسده) است و فریضتین به خاطر شرط بودن عدم ضرر و مفسده، از وجوب نمی افتد و مكلف نمی تواند آن را بهانه ترک دو فریضه قرار بدهد؛ چون شرط عدم ضرر و مفسده ناظر به این بخش نیست (خامنه ای، ۱۳۹۶، ص ۴۲۰). با رعایت اصل تناسب اهمیت، از تحمیل ضرر و مفسده بی جا به آمر و ناهی و دیگران جلوگیری می شود؛ در جاهایی که معروف و

منکر اهمیت بیشتری از مفسده و ضرر دارد، جایی برای فرار از مسئولیت نمی ماند.

۱-۴. شبهه شرط وجوب بودن «تأثیر» امر و نهی؛ بهانه فرار «مکلف» از انجام فریضه

تقریر شبهه به این صورت است که در شرط وجوب، تا شرط حاصل نشود، تکلیف ایجاد نمی شود؛ مانند این که تا استطاعت حاصل نشود تکلیف حج ایجاد نمی شود. اگر «تأثیر» یکی از شرایط «وجوب» امر به معروف و نهی از منکر باشد، خیلی از «مکلفان» با این بهانه امر و نهی نخواهند کرد. در نتیجه بسیاری از معروف ها ترك و به منکرهای زیادی عمل خواهد شد؛ پس این شرط، ابزار فرار مکلفان از انجام دو فریضه است (رحمانی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۵). در کنار آن، این خطر را نیز دارد که دایره شمول این وظیفه را محدود و آن را به اصلی بی ثمر و سطحی تبدیل کند (رضایی راد، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷)، یا زمینه تعطیلی دو فریضه، یا محدود شدن دایره فریضه ها به سطوح ظاهری معروف ها و منکرها شود و این نوعی نقض غرض از وجوب دو فریضه است؟ (همان، ص ۱۶۵).

۱۱۵

به این شبهه با دو فرض می توان دو پاسخ ارائه کرد.

در فرض «شرط واجب بودن تأثیر» برای دو فریضه تهیه مقدمات از جمله شرایط تأثیر، واجب است؛ البته شیخ طوسی رحمته الله علیه وجوب شرط تأثیر را رد کرده است (طوسی، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۴۹). با این دیدگاه شبهه مذکور پیش نمی آید؛ زیرا با شرط واجب بودن تأثیر، راهی برای وانهادن آن نیست، اما با فرض پذیرش شرط وجوب بودن تأثیر (نجفی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲۱، ص ۳۶۷؛ حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۳۴۲؛ امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۶۷؛ خامنه ای، ۱۳۸۶، سؤال ۱۰۵۷) دو راه برای جلوگیری از سوءاستفاده مکلف وجود دارد و از این جهت شبهه فاقد کلیت خواهد بود:

اول: تأثیر مصادیق گسترده ای دارد که روشن ترین مصداقش این است که فرد یا سازمانی که مخاطب امر و نهی است، آن را بپذیرد، اما تأثیر همواره در این حد نیست، بلکه ممکن است: ۱. فوری یا تدریجی و یا در آینده باشد، مانند اثر امر و نهی امام حسین علیه السلام در گستره تاریخ؛ ۲. با یک بار یا گاهی با چندبار امر و نهی به دست آید؛ ۳. با امر و نهی کردن متوالی توسط چند نفر مؤثر باشد و... با این گستردگی در مفهوم تأثیر، «شرط تأثیر» نمی تواند توجیه گر ترك دو فریضه برای مکلف باشد. البته اگر سکوت مکلف به علت تأثیر نداشتن، موجب تحقق عنوان حرام دیگری (مانند رضایت و همراهی با عمل گناهکار) شود، چنین سکوتی جایز نیست و در امور مهم مرتبط با اصل کیان اسلام و حفظ نظام، این فریضه، مشروط به احتمال تأثیر نیست (رحمانی، ۱۳۹۳،

ص ۲۳۵).

دوم: با این که تأثیر داشتن، شرط وجوب دو فریضه است (طبق این دیدگاه)، اما «تحصیل مقدمات تأثیر»، واجب شده است. مثلاً وجوب جهاد (نوع یا مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر) مشروط به قدرت (از شرایط عامه تکلیف مانند علم) است؛ با این حال به حکم قرآن (انفال، ۶۰) تهیه مقدمات و توانمندی واجب شده است، پس باز نمی تواند بهانه فرار از مسئولیت باشد (رحمانی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۵).

۱-۵. شبهه ریایی بودن انجام دو فریضه در جامعه

از دیگر شبهات دو فریضه البته با زنگ و لعاب دغدغه دین مداری و حفظ اخلاص در عمل، این است که امر به معروف و نهی از منکر در سطح عمومی و علنی، موجب تظاهر و ریا می شود، در حالی که این با روح توحیدی اسلام سازگار نیست (ابراهیم آبادی، ۱۴۰۵، ص ۵۶). پاسخ این که دو فریضه اجتماعی تشریع خدا و عمل به آن عمل به دستور خداست؛ نیز قصد قربت در دو فریضه شرط نیست (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۶۵). دو فریضه واجب توصلی است و قصد قربت نمی خواهد و هدف از آن قطع فساد و برپایی فرایض است، حتی بدون این قصد هم باید امر به معروف و نهی از منکر کرد و چنین تکلیفی با احتمال ریا ساقط نمی شود. حتی با وجود ریا، امر به معروف و نهی از منکر، به معنای قیام و عکس العمل در برابر منکرات است و می تواند موجب بازدارندگی برای گناهکار و جامعه پیرامونی وی شود.

۱-۶. شبهه ابزار شدن دو فریضه برای سوء استفاده آمر و ناهی

گاهی مخاطب و فردی که مورد امر و نهی قرار بگیرد، چنین گمان می کند آمر و ناهی از فرصت دو فریضه سوء استفاده می کنند. این احتمال منشأ تولید شبهه ای شده است که براساس آن ادعا شده است که آمران و ناهیان عموماً برای پوشاندن ضعف های خود یا ارضای حس نیازها و اعمال سلیقه های فردی و حزبی و جناحی (ابراهیم آبادی، ۱۴۵۵، ق، ص ۴۸)، کنجکاوی و فضولی و سرک کشیدن در زندگی مردم امر به معروف و نهی از منکر می کنند و کسانی که در مسائل حجاب ورود می کنند به بهانه نهی از منکر به نوامیس مردم خیره می شوند (همان، ص ۵۷)، یا این که آمران و ناهیان به عنوان مداخله کنندگان در زندگی مردم معرفی می شوند، در حالی که لازم است هر کسی سرش در زندگی خودش باشد و چنین رویکردی، خلاف ادب اجتماعی معرفی می شود (همان، ص ۹۰).

این در حالی است که کسی که بخواهد به ناموس مردم نگاه کند نیازی به این ندارد که با نهی از منکر و برخورد وضعیت را برای هر دو طرف بغرنج و تلخ بسازد و حتماً دنبال راه‌های دیگری می‌گردد؛ ضمن این که چنین سوءاستفاده‌ای درباره هر واجب و مداخله اجتماعی دیگری که همه جوامع نیازمندش هستند، امکان وقوع دارد و ممکن است به صورت موردی درست باشد، اما هرگز عمومیت ندارد و نمی‌توان به بهانه آن درباره همه یک حکم صادر کرد و گرفتار مغالطه جزء و کل شد؛ یا درباره انگ دخالت در زندگی مردم، خاصیت زندگی اجتماعی، تسری و جریان‌پذیری نتایج رفتار و گرایش‌ها به دیگران است. از این منظر دخالت افراد به عنوان آمر و ناهی در حقیقت دخالت در سرنوشت زندگی جمعی خودشان است. آلودگی (بصری، شنیداری، اعتقادی، گرایشی و عرصه‌های مختلف اقتصادی همچون رشوه و نزول خورای یا فرهنگی و...) در جامعه جریان و به همه ارکان جامعه نفوذ می‌کند و مانند سوراخ کردن کشتی است که به غرق شدن همه منتهی می‌شود؛ لذا این دخالت براساس عقل و عرف همه جوامع امری پسندیده و لازم و در شرع هم وظیفه شهروندان است.

۱۱۷



۲. شبهات بر محور اصل تکلیف

بخشی از شبهات مطرح شده و رایج در جامعه بر محور «تکلیف» هستند. از این شبهات، برخی ناظر به «نوع وجوب دو فریضه» مانند کفایی و عینی بودن یا وجوب و استحباب و کراهت دو فریضه در موقعیت‌های مختلف و... است؛ برخی هم به اصل تکلیف مربوط اند. این که اساساً دو فریضه فلسفه وجودی در جهان کنونی ندارند و... آنچه امروزه عمومیت و رواج بیشتری بین مردم دارد، شبهات نوع دوم است که نمونه‌هایی از آن‌ها شناسایی و پاسخ متناسب می‌گیرند.

۲-۱. شبهه لزوم جایگزینی تکلیف (امر به معروف و نهی از منکر) با راه‌های دیگر

جوهره اصلی این شبهه «ناکارآمدی تکلیف» است و در آن ادعا می‌شود که «واقعیت موجود جامعه» نشان می‌دهد تکلیف امر به معروف و نهی از منکر در ممانعت از تداوم گناهان و ترک واجبات عملاً بی‌تأثیر بوده است (ابراهیم‌آبادی، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۰)؛ زیرا گناهان بزرگ و کوچک اقتصادی و اجتماعی و سیاسی فردی و خانوادگی همچنان میدان‌دار جامعه دینی است و با وجود دهه‌ها امر به معروف و نهی از منکر، اوضاع تدین و دینداری به مراتب بدتر شده است و مداخلات در قالب تکلیف امر و نهی، اثر معکوس هم گذاشته است؛ بنابراین دیگر کسی سراغ این تکلیف نمی‌رود، پس باید به فکر جایگزین آن با سازوکارهای جدید آموزشی، یا حتی تغییرات ساختاری،

قضایی و... باشیم (همان).

پاسخ این است که اولاً دو فریضه با دیگر سازوکارهای بازدارندگی از منکرات (مثل اصلاح ساختارها، اقدامات ریشه‌ای، بهبود وضعیت اقتصادی، تقویت نهادهای مدنی و توسعه قضایی و...) نسبت دارد؛ مثلاً اگر در وضعیتی باشیم که نیاز به کار آموزشی باشد، دو فریضه بعد از کارهای آموزشی و جهل‌زدایی واجب می‌شود و اگر سالم‌سازی جامعه نیازمند ابزارهای دیگر مانند کارهای فرهنگی، ارشاد، تعلیم و تربیت؛ توأسی به حق؛ تولی و تبری... باشد، همه چیز به نفع دو فریضه تعطیل نخواهد شد. مجموعه سازوکارها مکمل یکدیگرند. ثانیاً گاهی کارهای فرهنگی، آموزش، تربیت و... زمینه مناسب امر و نهی‌پذیری را فراهم می‌آورند، اما اگر فرد بعد از مراحل تعلیم و تربیت و ارشاد و...، باز به گناه اقدام می‌کند، اقدام فوری برای متوقف شدن خطا مقدم بر کارهای دیربازده و غیرمستقیم خواهد شد؛ مثلاً گاه گفته می‌شود به جای تذکر مستقیم به افراد خاطی، باید به دنبال اصلاح ساختارهایی بود که به بروز منکرات می‌انجامند، اما روشن است که برای سالم‌سازی، هم ایجاد تغییرات ساختاری و زمینه‌ای و هم امر به معروف و نهی از منکر هرکدام جایگاه خود را دارند، ضمن این‌که نمی‌توان از لحاظ زمانی، منتظر اصلاحات ساختاری ماند؛ مثلاً رانتخوار را به امان خدا سپرد تا بعد از اصلاحات ساختاری به سراغش برویم، بلکه برای جلوگیری از ظلم بیشتر ناچار به نهی از منکریم.

۲-۲. شبهه لزوم جایگزینی تکلیف، با اقدامات فرهنگی

شبهه سابق «لزوم جایگزینی تکلیف» گاه به‌طور خاص در مورد «فرهنگ‌سازی» مطرح و ادعا می‌شود که کاربرد زور و اجبار تأثیر مثبتی برای از بین رفتن منکرات یا ترک واجبات ندارد. مردم معمولاً از روی ترس فرایض و معروف‌ها را انجام می‌دهند یا برخی گناهان را ترک می‌کنند و اگر فضا آزاد شود کاری دیگر می‌کنند؛ برای همین باید به جای امر به معروف و نهی از منکر، فرهنگ‌سازی (مانند سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و هنر و رسانه) کرد؛ زیرا اقدامات غیرمستقیم فرهنگی و هنری جذابیت‌های زیاد و تأثیر عمیق بر باورها و رفتارهای افراد دارند و در سطح جامعه دارای گستردگی و غیرآمرانه‌اند (ابراهیم‌آبادی، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۸).

در پاسخ باید توجه داشت که اقدامات فرهنگی برای مرحله قبل از وقوع منکر و ترک واجبات مناسب است، اما جایی که منکر انجام و واجب ترک می‌شود، اقدام در لحظه سلبی و امر و نهی برای ممانعت از تکرار گناه نیاز است، ولی فعالیت فرهنگی چنین کارکردی ندارند؛ چون فرهنگ زمینه است، نه علت تامه و ظرفیت بازدارندگی و پیشگیری را دارد، اما قطعیت ندارد؛ بنابراین

انسان‌هایی همچنان به منافع مادی و معنوی جامعه آسیب می‌زنند. طبیعت سودمحور انسان در کنار قدرت انتخاب وی، می‌تواند بستری شود تا عده‌ای دنبال خلاف مسیر جامعه باشند و از فلسفه‌های نیاز به قوه قهریه، همین ویژگی انسان است. آنچه می‌تواند مانع قطعی بروز منکر و ترک معروف شود، برخورد آمرانه در قالب دو فریضه است؛ البته دو فریضه با تأثیر گسترده در جامعه از مؤلفه‌های مهم فرهنگ‌سازی و ترویج ارزش‌ها و امحای ضدارزش‌هایند و می‌توانند فرهنگ مسئولیت‌پذیری، حمیت و غیرت نسبت به ارزش‌های الهی و اجتماعی را تقویت کنند و خود مؤلفه مهمی در تولید فرهنگ باشند.

۳. شبهات بر محور بستر اجرای فریضه (تکلیف)

محور برخی دیگر از شبهات امر به معروف و نهی از منکر بستر و زمینه بروز خارجی دو فریضه، یعنی جامعه است. در این موارد نیز می‌توان شبهاتی را در یک ساختار تعریف و برای آن‌ها پاسخ‌هایی متناسب در نظر گرفت. نمونه‌هایی از شبهات با این محوریت گزارش و بر مبنای آن، پاسخ‌یابی می‌شود.

۱۱۹



۳-۱. شبهه امر به معروف زمینه‌ساز خشونت اجتماعی

در تشریح این شبهه بیان می‌شود که منکرات و ترک واجبات کم و بیش در همه جوامع هست و چون دو فریضه به افراد مؤمن نوعی ولایت می‌دهد که براساس آن بتوانند در امور دیگران دخالت و با منکرات یا ترک واجبات مبارزه کنند و مردم را به کار یا ترک کاری وادارند، موجب ایجاد زمینه دخالت در زندگی دیگران، بروز خشونت و بی‌نظمی اجتماعی، بی‌ثباتی و ایجاد فضای امنیتی می‌شود. به این ترتیب دامنه خشونت‌ها در اسلام از محدوده قوانین جزایی بالاتر می‌رود و مردم حق می‌یابند در صورت لزوم، خشونت به کار ببرند (رضایی‌راد، ۱۳۸۶، ص ۶۳-۷۲)؛ احکامی مثل جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای حدود الهی، بریدن دست سارق، تازیانه‌زدن... مناسب زمانی بود که عموم مردم وحشی و نیمه‌وحشی بودند و نباید در دوران مدرنیته به این وضعیت برگشت (ابراهیم‌آبادی، ۱۴۰۵ ق، ص ۷۷).

پاسخ این است که اصل «وجود نظام مداخلات اجتماعی» را همه پذیرفته‌اند، با این که ماهیت مداخله، مقتضی تعارض با خواست مخاطب و احتمال وجود خشونت است؛ پس اصل خشونت محل بحث نیست، بلکه مهم مدیریت شدن و قانونی بودن خشونت‌های کلامی و عملی باید باشد. ضمن این که هر نوع امر به معروف و نهی از منکری به خشونت نمی‌انجامد، حتی در موارد

متعددی از مرحله عملی، کار بدون خشونت به سرانجام می‌رسد؛ با این حال بروز خشونت‌های بی‌مورد را در مواردی نمی‌توان انکار کرد:

۱. گاهی نداشتن مهارت‌های لازم برای مواجهه سالم با مردم جهت اجرای درست فریضه، زمینه‌ساز خشونت‌های بی‌مورد می‌شود (رضایی‌راد، ۱۳۸۶، ص ۶۳-۸۲) که این به معنای نادرست بودن دو فریضه نیست، بلکه رویکرد بی‌ضابطه به خشونت در دو فریضه، نشانه رشد ناکافی افراد است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۴/۱۲)؛ ۲. در جایی که وظایف دینی و اجتماعی و شخصی را با مدارا و صلح می‌توان تأمین کرد، نباید سراغ خشونت در رفتار رفت، اما جایی که منکری رخ می‌دهد یا واجبی ترک می‌شود و هیچ راهی پاسخ نمی‌دهد، آیا می‌توان گفت خشونت ضد ارزش و مدارا ارزش است؟؛ ۳. در برخورد با گناهکار هیچ‌یک از خشونت و مدارا اصالت ندارند (مثل جنگ و صلح) و ارزشمندی آن‌ها تابع امور دیگری است. ۴. بخشی از خشونت به دخالت عموم مردم در مرحله عملی مربوط است، با این‌که این مرحله مخصوص حکومت است و اگر مردم وارد این مرحله نشوند، این آسیب نیز نخواهد بود. «قاطعیت یعنی چه؟ یعنی برخورد فیزیکی و جسمانی؟ این‌که درست نیست و ما اصلاً این را توصیه نمی‌کنیم، اما گفتن و تذکر دادن، خوب است. چه اشکال دارد با اخلاق خوب تذکر دهند؟» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲).

۳-۲. شبهه ناموفق بودن تجربه‌های گذشته

برخی اصرار دارند که تاریخ گواه ناموفق بودن تجربه‌های امر به معروف و نهی از منکر است. رواج بی‌تفاوتی عمومی نسبت به ارزش‌های یکی از نشانه ناموفق بودن این تجربه‌هاست. به‌رغم سال‌ها تأکید بر دو فریضه، امروزه عموم مردم برای ترویج عدالت، شفافیت یا رعایت حقوق دیگران تلاش نمی‌کنند؛ افراد در برابر فساد و منکرات اقتصادی سکوت می‌کنند، حتی کسانی که قادر به اثرگذاری‌اند، از قبول وظیفه، طفره می‌روند؛ فساد اخلاقی که شامل طیف وسیعی از رفتارهاست، حتی ممکن است به شکل‌های جدیدتری بروز کند... و ده‌ها نمونه دیگر نیز که امر به معروف و نهی از منکر در همه آن‌ها جریان داشته، اما به نتیجه نرسیده است، گواه ناموفق بودن آن است (ابراهیم‌آبادی، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۸ و ۶۰).

در پاسخ به نظر می‌رسد نفی مطلق آثار موفق دو فریضه در تجربه‌های گذشته، مغالطه است. تجربه‌های دو فریضه در عرصه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... آمیزه شکست‌ها و موفقیت‌هاست. برای مثال اگر بپذیریم «بالاترین معروف تشکیل حکومت اسلامی» است که با آن می‌توان ضمن اقامه دیگر معروف‌ها از منکرها جلوگیری کرد و «بالاترین منکر حکومت طاغوت»

است که با آن ضمن گسترش منکرات، معروف‌ها نیز از بین می‌روند، باید بپذیریم که بزرگ‌ترین نهی از منکر قرن یعنی نهی از حکومت طاغوتی پهلوی را امام خمینی رحمه‌الله با موفقیت به نتیجه رساند. یکی دیگر از منکرات بزرگ غلبه اجانب بر مسلمانان است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۸۷) که نهضت امام این منکر را نیز از بین برد. با این وضع چگونه می‌توان این موفقیت‌ها را نادیده گرفت. ضمن این‌که گاهی اثرات فریضتین، فوری و آشکار نیست و میزان تأثیر هر امر و نهی‌ای باید به نسبت با فضا و مکان و شرایط سنجیده شود. نیز دعوت به ترک دو فریضه به خاطر تجربه‌های ناموفق، در مورد مفاسد به عادی‌سازی و عرفی‌سازی اجتماعی می‌انجامد و به شدت به جامعه و دین آسیب می‌زند. شواهد قطعی نیز امکان اصلاح در اوج ناامیدی و ناباوری در تاریخ بشریت را نشان می‌دهد؛ مانند وضعیت جامعه عربستان در قرن هفتم میلادی که پر از فساد اخلاقی، غارت و رسوم غیرانسانی مثل زنده به گور کردن دختران بود، اما وقتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مبعوث شد با ابزارهای مختلف مانند امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰) در عرض حدود ۲۳ سال جامعه سرشار از فساد را به تمدن الگو در عدالت و انسانیت برای جهان تبدیل کرد. همچنین وجود ابزارهایی مانند هجرت، جهاد، اعتراض، انقلاب، اصلاح‌گری، تواصی به حق، تبری و تولی و... نیز نشان‌دهنده قابلیت تغییر جوامع آلوده است و امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۱۰۴) هم یکی از همین ابزارهاست؛ به‌راستی اگر جامعه اصلاح‌ناپذیر بود، اساساً چنین وظیفه‌ای بی‌معنا می‌شد.

۴. مخاطبان امر و نهی

گروهی از شبهه‌ها بر مدار مخاطب امر و نهی (مکلف به) تولید شده است که نمونه‌هایی از آن ارائه و بر مدار آن پاسخ‌ها باید تبیین شود.

۴-۱. شبهه تعارض دو فریضه با آزادی‌های سیاسی و اجتماعی

در تقریر شبهه تعارض آزادی افراد مورد امر و نهی با دو فریضه توضیح داده می‌شود که آزادی‌های سیاسی اجتماعی حق هر شهروند است و از سوی اعلامیه حقوق بشر و نهادهای مدنی مورد تأکید است و حکومت‌ها موظف به رعایت آن هستند، اما امر به معروف و نهی از منکر با این آزادی‌ها که از حقوق اولیه و اساسی انسان است، تعارض دارد. آنچه بر اهمیت شبهه می‌افزاید این است که «نسبت آزادی با دین»، از مهم‌ترین مسائل پیش روی دینداران است؛ به‌گونه‌ای که سازگاری دین با آزادی و سازش حکومت دینی با دموکراسی، از مسائل بنیادی و کلیدی دانش سیاسی است و این

شبهه آن را به چالش می کشد (رضایی راد، ۱۳۸۶، ص ۴۰-۴۶؛ رضوانی، ۱۳۸۶، موارد متعدد). پاسخ این است که چون پایداری جامعه انسانی به این است که شهروندان در کنار آزادی، در برابر نقض قوانین و الزامات و ارزش ها توسط افراد و نهادهای اجتماعی و سیاسی...، مسئولیت هم داشته باشند و البته مسئول و مکلف بودن هر فرد در جامعه نسبت به نقض قوانین، به معنای محدود شدن آزادی است. به همین جهت حتی نظام های اجتماعی مبتنی بر لیبرالیسم و سکولاریسم، هم مطابق باورهایشان، محدودیت هایی ایجاد می کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۸-۳۰). هم این است که تعریف «آزادی شهروندی» باید با مکتب و فضای اعتقادی «شهروندانی که مورد تکلیف و امر و نهی هستند، متناسب باشد. بر این اساس در مورد جامعه دینی باید دانست عبادت هدف خلقت است و آزادی شهروندان را نمی توان به گونه ای فهمید که با هدف خلقتشان منافات داشته باشد. پس «آزادی به معنای بی بندباری و پیروی از هوای نفس و خروج از بندگی نمی تواند باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۹)؛ لذا خداوند با قانون هایی مثل امر به معروف و نهی از منکر این امکان را به شهروندان جامعه می دهد که در جاده بندگی بمانند و آزادی شهروندان را در دایره تکالیفی که برایشان تعیین می کند، معنا می کند؛ یعنی انسان به میزانی که خدای خالق می خواهد آزادی دارد؛ نه این که انسان از اول آزاد بوده و با تکلیف های الهی آزادی اش محدود شده است (عابدی، ۱۴۰۰، ص ۳۳۸-۳۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۵۵۰). خداوند انسان را حتی در مواردی مثل قتل نفس، آسیب زدن به آبروی خود آزاد نمی گذارد و با همین مبنا او را در آسیب زدن به دیگران و انمی نهد و در قالب دو فریضه، به مقابله با چنین افرادی تکلیف می نماید.

۴-۲. امکان نسبی بودن ارزش های مخاطب با آمر و ناهی

برخی معتقدند هر فردی اعتقادات و باورها و مبانی خاص خود را دارد و از دل آن مبناها و باورها، ارزش ها و ضد ارزش ها و معروف ها و منکرهای خاصی متولد می شود. از این رو درست نیست که ما ارزش های مورد قبول خود یا دین خود را به دیگران تحمیل کنیم و انتظار داشته باشیم همه آن را قبول کنند. ارزش ها نسبی اند، پس هر کسی باید به نظام ارزشی و مجموعه معروف ها و منکرهای دیگران حرمت بگذارد و آن ها را تحمل کند و با امر و نهی و استفاده از قدرت برای آنان محدودیت ایجاد نکند، بلکه باید همه با هم و در کنار هم و با رسمیت شناختن ارزش های هم، به صورت مسالمت آمیز زندگی کنند. این شبهه بر پایه ادعای «نسبی بودن اخلاق و ارزش ها»، به تبیین امر به معروف و نهی از منکر با حق دین و اعتقاد خاص داشتن هر کسی حکم می کند و این که هر کسی اعتقادات و ارزش های برآمده از اعتقاداتش را دارد و سلب این حق، ایجاد محدودیت و سلب،

آزادی و اعمال ظلم است (رضایی‌راد، ۱۳۸۷، ص ۴۲). شبهه مخالفت امر به معروف و نهی از منکر با آزادی نیز مبتنی بر دیدگاه نسبی‌گرایی است که با اصالت دادن به انسان و کنار نهادن خدا، آزادی انسان جدای از خدا را ارزش می‌داند و هر نوع امر و نهی را که مخالف خواست و اراده انسان باشد مردود می‌داند. در این دیدگاه دین نیز نهایتاً امری شخصی و سلیقه‌ای مثل زبان و رنگ و... است (سروش، ۱۳۸۳، ص ۶۳ و ۶۷) که هرگونه تحمیل مذهب و طرز فکر کاری خلاف عقل و منطق شمرده می‌شود (همان، ص ۳۷ و ۶۴). گفته شده شاید با همین مبنا لایحه کلیسای لهستان برای محدود کردن عکس‌ها و فیلم‌های مبتذل و مستهجن که حتی دو مجلس لهستان آن را تأیید کرده بود، به‌دست رئیس‌جمهور آن کشور به اسم مخالفت با آزادی شهروندان و... وتو شد و مجلس کویت با تشکیل هیئت امر به معروف و نهی از منکر به دلیل مخالفت با آزادی، مخالفت کرد (رضایی‌راد، ص ۴۳). در چنین فضایی است که شبهات عمومی‌تر در جامعه ترویج می‌شود که باید به ارزش‌ها و رفتارهای افراد احترام بگذاریم (ابراهیم‌آبادی، ۱۴۴۵، ص ۱۱).

۱۲۳

پیش‌نویس

مجله علمی-پژوهشی
فصلنامه علمی-پژوهشی
در زمینه حقوق و فلسفه
و اخلاق

پاسخ این است که بنیان شبهه فاصله گرفتن از اعتقاد به وحدانیت خداوند (توحید) است که به ردّ حق ربوبیت و ولایت و حاکمیت خدا بر بشر و نفی هر نوع تصرفات الهی در انسان انجامیده است و این‌که خواست انسان تنها ملاک ارزش معرفی شده است و چون هر گروهی از انسان‌ها براساس باورهایشان، عرف و فرهنگشان و... ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی دارند، تنها راه زندگی اجتماعی این دانسته شده که اعتقاد و ارزش هرکدام ارزشمند و دارای حرمت است، اما بر مبنای اعتقاد توحیدی، خداوند حق ربوبیت، ولایت و حاکمیت بر مخلوق خود دارد و این نظام ارزشی متناسب خود را تولید می‌کند و معروف‌ها در آن چیزی است که خواست خدا نیز تأیید کند و مخالف نباشد. در این صورت ارزش‌ها معیارمند و رهای از نسبیّت خواهند بود و تنها ارزشی حرمت دارد که بر پذیرش نقش خداوند و رسمیت شناختن حقوق او مبتنی باشد و خواست انسان در مدار اراده الهی ارزشیابی خواهد شد، نه این‌که همه آن‌ها محترم باشند. فقط چیزی معروف است که نزد خدا به رسمیت شناخته شده باشد و باید به معروف‌های دارای معیار الهی امر و از منکرها نهی کرد. قرآن نیز به معیار بودن اراده الهی برای حق و ارزش‌ها توجه دارد؛ از جمله «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ» (انعام، ۵۷). اصولاً چون مفهوم نبوت آن است که خالق هستی را لایق‌تر از مخلوق برای قانون‌گذاری و تعیین ارزش و ضد ارزش بدانیم و او راه درست را به بشر نشان بدهد، نسبی‌انگاری مخالف همه ادیان الهی است.

۳-۴. شبهه ناسازگاری دو فریضه با ویژگی ذاتی انسان‌ها در تنوع عقاید و دین‌ها

این شبهه تبیین‌های مختلفی دارد، مانند تعارض با حقوق ذاتی و طبیعی بشر یا مخالفت با ویژگی‌های انسان‌ها در تنوع عقاید و تمایلات و... در تبیین این شبهه ادعا می‌شود که روش تاریخی شناخت انسان گویای آن است که «تنوع عقاید و باورها» واقعیتهای انکارناپذیر در طول تاریخ و در جوامع مختلف است. مبنای تنوع عقاید و دین‌ها، مثل زبان، رنگ و فرهنگ انسان‌ها بخشی از ذات انسان‌ها و حق آن‌هاست که باید محترم شمرده شود، اما دو فریضه خود را در قالب‌هایی مانند جلوگیری از انتشار نظریات و کتب و سخنرانی دیگران نشان می‌دهد و می‌تواند تلاش برای یکسان کردن عقاید ملت‌ها، اقوام، زبان، فرهنگ، پوشش و... باشد که خلاف ویژگی‌های متنوع انسان‌ها در افکار و عقاید و خلاف حق آن‌ها و کاری مضرّ به حال بشر است (رضایی‌راد، ۱۳۸۶، ص ۸۳). تأکید بر دو فریضه و معیار قرار دادن عقاید و دانسته‌های یک گروه خاص به‌عنوان معیار معروف و منکر، کوشش برای برگرداندن ملت‌ها و مردم از اعتقاداتشان و خلاف تنوعی است که در ذات انسان‌هاست (سروش، ۱۳۸۳، ص ۶۳). باید تحمل افراد درباره هم، آموزش داده شود و قدرت جمع اضداد در انسان‌ها تربیت گردد و وجود بعضی رذایل در مجموعه بشری اجتناب‌ناپذیر دانسته، به آن تن داده شود، نه این‌که با دو فریضه همه افراد به انجام اعمال و پایبندی به اعتقادی یکسان واداشته شوند (همان، ص ۶۴-۶۵).

برای پاسخ به این شبهه بر مبنای «حوزه مکلف‌به»، باید توجه داد که انسان‌ها به‌رغم همه اثرپذیری‌ها از زمان، مکان و تاریخ، دارای ابعاد ثابت هویتی (مانند غرایز و فطریات) هستند که در گذر زمان و تاریخ پابرجاست. واژه «فطرت» گویای این است که انسان به نوعی خاص خلق شده است که گرایش‌ها، توانایی‌ها، دانش‌های خاصی دارد که همواره در بشر بوده و هست؛ مثلاً گرایش به خداپرستی در طول تاریخ در ذات انسان‌ها ثابت بوده است، همین‌طور است گرایش به محبت، عشق، راستی و... این امور با تفاوت زمان و مکان مختلف از بین نرفته‌اند و تاریخ گواه آن است. «تنوع عقاید و باورها» حتی اگر واقعیتهای انکارناپذیر در تاریخ و جوامع مختلف باشد، تنها یک واقعیت است، اما آیا منبع تولید معروف و منکر، لزوماً واقعیت است؟ پاسخ این است که آنچه ارزش‌ها و بایسته‌های رفتاری، اعتقادی و... انسان و جامعه بشری را می‌سازد، «حق» است، اما هر واقعیتهای گویای حق بودن نیست؛ چون عالم برحق آفریده شده است (دخان، ۳۸-۳۹)، انسان «باید» (مکلف است) برای مبارزه با ضد حق بکوشد. «باید و نباید» عبارت دیگر «ارزش و ضد ارزش»، و «معروف و منکر» است. بر این اساس «حق»، منشأ تولید معروف و بایسته است. البته عقل ناب و خالی از شبهات علمی و شهوات عملی هم که رسول باطنی است یکی از

خاستگاه‌های معروف و منکر بودن است، اما واقعیت بدون داشتن منشأ حق، نمی‌تواند تولیدکننده معروف و منکر باشد؛ مثلاً این‌که انسان شهوت قدرت دارد، یک واقعیت است، اما نمی‌توان گفت این واقعیت برای او تولید ارزش و معروف می‌کند و کسی نباید عقیده او درباره حق اعمال قدرتش را با امر و نهی به چالش بکشد و مانع اعمال قدرتش در موارد نابه‌جا بشود.

اگر این حس درونی انسان‌ها آن‌ها را وادار کند که ارزشی تولید کنند که ضد «ارزش با منشأ حق» باشد، خداوند آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه همچنان منکر می‌داند، مانند مسئله رباخواری که مردم عصر نزول قرآن خرید و فروش را هم مثل ربا می‌دانستند، اما خداوند خرید و فروش را حلال و ربا را حرام اعلام کرد و به نهی ناپذیران وعده جاودانگی در آتش داد (بقره، ۲۷۵).

مسئله تأثیرپذیری انسان در طول تاریخ و شکل‌گیری تنوع در عقاید و فرهنگ‌ها واقعیتی است که باید آن را در راستای اراده و رضایت الهی تغییر داد و واقعیت‌های موجود را براساس بایدها و نبایدهای متأثر از حقیقت (اراده الهی و عقل خالص) دگرگون ساخت. ضمن این‌که تنوع عقاید و باورها و رفتارها در طول تاریخ (یک واقعیت تاریخی) از فلسفه‌های بعثت انبیاست. آنان آمدند تا این اثرپذیری‌ها را کنترل و در راستای خواست الهی به عقاید و باورهای درست و حق هدایت و دعوت کنند و بگویند بشر مکلف است این واقعیت شخصیتی را با تهذیب و تلاش و عمل به تکلیف عوض کند. همین انسان متأثر از تاریخ و... که تنوع عقاید و فرهنگ‌ها دارد، مختار و مسئول است؛ یعنی باید آگاهانه و با اراده خود، اثرات مثبت محیط را تقویت و اثرات منفی را مدیریت و حذف کند. انسان باید تلاش کند تا با بهره‌گیری از عقل خدادادی و وحی الهی، از مسیر غی و ضلال (منکرات) دوری گزیند و مسیر رشد و کمال (معروف‌ها) را طی کند و به اهداف عالی انسانی دست یابد. این یعنی با وجود واقعیت تاریخی مذکور، خداوند او را بازخواست خواهد کرد که چرا از اختیارش برای اثرگذاری (و نه اثرگیری از تاریخ و فضا و زمان و مکان) استفاده نکرد و به میزان کوتاهی مواخذه خواهد شد. در سطح ملت‌ها و کشورها نیز دو فریضه بر سر اصول مشترک و معروف و منکر نزد همه خواهد بود؛ مانند این‌که اصل و معروف پذیرفته شده نزد همه ادیان الهی، توحید و عدالت و... است و چون همه امت‌ها و ملت‌ها برای حفظ ارزش‌های خود به نوعی مداخلات اجتماعی را پذیرفته‌اند، با تمرکز بر اصول و معروف‌ها و منکرهای مشترک می‌توان به انجام دو فریضه اقدام کرد.

۴-۴. مخالفت با حریم خصوصی

از جمله شبهاتی که مربوط به مخاطبان امر و نهی است، شبهه مخالفت امر به معروف و نهی از

منکر با حریم خصوصی افرادی است که مورد امر و نهی قرار می‌گیرند. نویسندگان مختلفی به این مسئله تمرکز کرده‌اند و آن را از منظر «حقوق خصوصی» مورد مطالعه قرار داده‌اند (کریمی‌نیا؛ باقری‌مفرد؛ انصاری‌مقدم، ۱۴۰۰، ص ۶۳-۹۸؛ حائری شیرازی، ۱۳۹۴، ص ۲۵-۳۲) و توضیح داده‌اند که حریم خصوصی قلمرویی از زندگی فرد است که فرد نوعاً یا عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند؛ یا به هر صورت دیگر وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند. منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی هستند (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۶۴-۶۵).

در این شبهه تمرکز بر این است که نباید در «امور شخصی مردم» تجسس کرد؛ زیرا تجسس در اسلام حرام است؛ همان‌طور که امر و نهی در این موارد تعرض به حقوق خصوصی شهروندان است و خداوند راضی به علنی شدن گناهان افراد نیست، هتک حرمت شخصیت افراد کاری ناپسند و قبیح است و باید از آن پرهیز کرد (ابراهیم‌آبادی، ۱۴۰۵، ص ۸۷). این شبهه با مبانی انسان‌شناختی غربی می‌تواند وارد باشد؛ با این توضیح که در دنیای غرب چنین تعرضی جرم‌انگاری شده است و اگر فردی متعرض دیگری به جهت امور خصوصی همچون مسائل جنسی و غیره بشود، مورد بازخواست و مجازات قرار می‌گیرد؛ چون در این نظام حریم خصوصی به معنای خاص و حقوق بشر به معنای عام براساس اندیشه سکولاریسم و جدایی دین از سیاست بنا نهاده شده است و تنها خواست و اراده مردم یا دولت تعیین‌کننده قواعد حقوقی است. بر این اساس چنین ابهام و تعارضی در آن «نظام پیش می‌آید (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۷۴).

در حقیقت خاستگاه این شبهه خلط مبانی غربی و اسلامی در حوزه حقوق خصوصی و حقوق بشر است؛ زیرا مبنای مشروعیت قوانین و مقررات حقوقی اسلامی اراده تشریعی خدای متعال است. به مقتضای توحید و ربوبیت، انسان مکلف است فقط از دستورهای الهی اطاعت کند و اطاعت هر قانونی دیگر شرک است؛ یعنی ملاک حقانیت و اعتبار قواعد حقوقی انطباق با اراده الهی است؛ لذا انسان به معنای واقعی، کسی است که حیات و فکر و عملش را بر پایه رضایت الهی تنظیم کند. در نتیجه کرامت انسانی بر این میزان سنجیده می‌شود: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳). اثر این مبنا آن است که حقوق بشر و حقوق خصوصی نمی‌تواند بدون لحاظ نظر خدا و به صورت مطلق باشد؛ بر این اساس اگر حیطة خصوصی را اعمالی بدانیم که ضرر آن به طور مستقیم متوجه خود شخص می‌شود، بسیاری از اعمال مثل شرب خمر، روابط نامشروع جنسی، استعمال مواد مخدر، رضایت به مرگ و قتل از روی ترحم، قماربازی و... همه در آن محدوده واقع

این مقاله ضمن گونه‌بندی شبهات امر به معروف و نهی از منکر به این نتیجه رسید که شبهات رایج را در چهارگونه شبهات مکلف، اصل تکلیف، بستر اجرای تکلیف و مخاطبان تکلیف می‌توان سازمان داد. بر این اساس شبهات رایج شناسایی و نمونه‌هایی از آن‌ها ارائه شد و پاسخ به آن‌ها با تمرکز بر گونه شبهه ارائه شد. در تبیین نتیجه می‌توان اشاره کرد که تحقیق حاضر توانست نشان دهد

دسته‌بندی شبهات رایج، می‌تواند به ساختارمند کردن ذهن و روش پژوهش محقق نظامی متناسب ارائه کند، به گونه‌ای که امکان پرهیز از حاشیه‌روی در پاسخ‌ها و توجه به کانون مرکزی شبهات و ارائه پاسخ‌های مناسب ممکن شود؛ ضمن این‌که این الگو می‌تواند پاسخ‌های ارائه شده را برای موارد مشابه، تعمیم‌پذیر سازد و پاسخ‌های متناسب با تمرکز بر گوهر مشترک هر دسته از شبهات سامان یابد و الگویی تکرارپذیر و سنجش‌پذیر در موارد مشابه، ذیل هر گونه شبهه پیشنهاد شود.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن حمزه، طوسی، محمد بن علی، الوسيلة الى نيل الفضيلة، تحقیق محمد حسن، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ ق.

۲. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، قم: انتشارات علامه، ۱۳۹۷ ق.

۳. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.

۴. اسم ابراهیم آبادی، بگو و برو، چ ۱، قم: مجمع ملی فعالان امر به معروف و نهی از منکر با همکاری مرکز ملی پاسخگویی به شبهات دینی، ۱۴۰۵ ق.

۵. جوادی آملی، عبدالله، سلسله بحث‌های فلسفه دین و فلسفه حقوق بشر، چ ۷، قم: اسراء، ۱۳۹۳.

۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶.

۷. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح الاعتقاد، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۸. حلی، حسن بن یوسف، مطهر، شرایع الاسلام، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.

۹. خامنه‌ای، سیدعلی، اجوبة الاستفتائات، ترجمه احمد رضا حسینی، تهران: الهدی، ۱۳۸۶.

۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی،

<https://khl.ink/f/3177> ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۷/۳

<https://khl.ink/f/3851>

۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، تفسیر سوره براءت، چ ۱، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.

۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی،

<https://khl.ink/f/7571> ۱۳۷۷/۴/۱۲

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، رساله آموزشی (احکام عبادات) (مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (رحمه الله)، ج ۱، چ ۲۳، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴.

۱۵. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۷۹.

۱۶. خمینی، روح الله، صحیفه امام (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (رحمه الله)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۶۸.

۱۷. دروزة، محمد عزت، التفسیر الحديث، القاهرة، دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳ ق.

۱۸. رحمانی، تقی، امر به معروف در آینه اجتهاد، چ ۱، نشر معروف، ۱۳۹۳.

۱۹. رضایی‌راد، عبدالحسین، امر به معروف و نهی از منکر در ترازوی تاریخ، چ ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۲۰. رضوانی، علی اصغر، مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر، مسجد مقدس جمکران، چ ۱، ۱۳۸۶.
۲۱. سروش، عبدالکریم، صراط‌های مستقیم، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۳.
۲۲. سیدعلیرضا؛ امین نعیمی، اشکان، «بررسی فقهی شبهاتی درباره مسئولیت حاکمیت اسلامی نسبت به اقامه حجاب»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۴۰۲، شماره ۴۵ ISC، ص ۷۹-۹۴.
۲۳. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ۱۴۰۳.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة، ج ۴، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۵. شیخ بهایی، اربعین شیخ بهایی، تحقیق عقیقی بخشایشی، ج ۵، قم: نوید اسلام، ۱۳۸۲.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ ج، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی؛ قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، چ ۲، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۶ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، التیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۰. عابدی، محمد، مبانی سیاست از منظر قرآن، چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۰.
۳۱. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۳۳. کریمی نیا، محمدمهدی؛ باقری مفرد، محمدرضا و انصاری مقدم، مجتبی، «واکاوی ارتباط حریم خصوصی اشخاص با امر به معروف و نهی از منکر»، مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، ۱۴۰۰، ش ۸، ص ۶۳-۹۸.
۳۴. کریمی نیا، مهدی محمد، «حریم خصوصی در اسلام و نسبت آن با امر به معروف و نهی از منکر»، پویشی در علوم انسانی، تابستان و بهار ۱۳۹۴، ش ۷، ص ۶۳-۸۲.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۰۳ق.
۳۶. مجمع ملی فعالان امر به معروف و نهی از منکر با همکاری سامان هادی پور، روش های ارتباط گیری مؤثر، چ ۱، قم: انتشارات امتداد حکمت، ۱۴۰۳.
۳۷. محمد بن حسن حرّ عاملی (حرّ عاملی)، وسائل الشیعه الی تحصیل احکام الشریعة؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۳۸. محی الدین حائری شیرازی (مصاحبه)، امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با حقوق بشر»، پویشی در علوم انسانی، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ش ۷، ص ۲۵-۳۲.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی، بزرگترین فریضه، نگارش قاسم شبان نیا، قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۹۱.
۴۰. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.

۴۱. مفید، شیخ نعمان محمدبن محمد، المقنعه، تحقیق جماعه المدرسین، قم: ۱۴۰۱ق.
۴۲. مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشادالاذهان، چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۴۳. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۴ق.
۴۴. نوری همدانی، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی اشتیاردی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱.
۴۵. ورعی، سیدجواد، مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر.